

دین‌داری در نسل‌های مختلف (مطالعه موردی شهرستان ساری)

میترا کلانتری^۱، عبدالحسین کلانتری^۲

(تاریخ دریافت: ۹۰/۱۲/۱۷ تاریخ پذیرش: ۹۱/۵/۲)

چکیده

دین یکی از پدیده‌های اجتماعی است که در فرآیندی تعاملی با جامعه بر آن تاثیر می‌گذارد و از آن متاثر می‌شود. در جامعه دینی ایران که قوانین و هنجارهای آن برگرفته از دستورات و ارزش‌های دینی است، پژوهش و تحقیقات در حوزه دین و دین‌داری دغدغه بسیاری از پژوهشگران و اندیشمندان است. در این مقاله به بررسی تطبیقی میزان دین‌داری، در سه نسل از افراد در شهر ساری، بر اساس ابعاد دین‌داری گلاین و استارک، میادرت شده است: نسل اول، نسل قبل از انقلاب (متولدین ۱۳۲۰ تا ۱۳۴۰)؛ نسل دوم، نسل انقلاب (متولدین ۱۳۴۱ تا ۱۳۵۵)؛ و نسل سوم نسل بعد از انقلاب (متولدین ۱۳۵۶ تا ۱۳۷۰) و تعداد جمعیت نمونه ۳۸۰ نفر است.

بر اساس نتایج حاصله سلسله‌مراتب ابعاد دین‌داری عبارتند از: تجربه دینی، آگاهی دینی، ارزش‌های دینی، اخلاق دینی و در نهایت انجام مناسک دین‌داری. همچنین برای بررسی معنی‌داری تفاوت‌های بین‌نسلی، از روش آماری آنوا استفاده شده است، که نتایج پژوهش حکایت از آن دارد که میزان دین‌داری نسل اول در دو بعد باور دینی و مناسک دینی، به صورت معنی‌داری بیشتر از دو نسل بعدی است. بنابراین نتایج به دست آمده تا حدودی تاییدکننده دیدگاه اینگلههارت است، مبنی بر تفاوت نسلی مبنی بر چرخه زندگی و پیشرفت جوامع. همچنین در سنجش ارزش‌های عرفی‌گرا در سه نسل مشخص شد که اگرچه به طور کلی میزان تمایل به ارزش‌های عرفی‌گرا در جامعه کم است، نسل سوم نسبت به دو نسل قبل از خود تمایلات عرفی‌گرایانه بیشتری دارد. بنابراین در این مقاله از طرف دیگر درصد برآمده‌ایم تا وضعیت دین‌داری افراد را در ابعاد مختلف مقایسه کنیم تا مشاهده کنیم

^۱. کارشناس ارشد جامعه‌شناسی mitrakalantari@gmail.com

^۲. استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

آیا تئوری جیمز، مبنی بر شخصی‌شدن دین در جوامع جدید، و نظریه برگر، مبنی بر سکولاریسم اجتماعی و فردی در این جامعه آماری، توضیح‌پذیر است؟ نتیجه گویای این است که این تحولات در ایران نیز در حال وقوع است و انسان‌ها زندگی دینی‌ای را دنبال می‌کنند که حول محور حال شخصی می‌چرخد که به تعبیر جیمز حیات دینی دست‌اول است و مطابق دیدگاه برگر مبنی بر سکولاریسم اجتماعی تا حدودی قابل توضیح است.

کلمات کلیدی: نسل، دین‌داری، ارزش‌های دینی، ارزش‌های عرفی‌گرایی دینی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

دین یکی از پدیده‌هایی است که هم می‌تواند بر جامعه و ساختار و مناسبات آن تأثیر گذارد و هم متأثر از آنها باشد، بدین ترتیب برای جامعه‌شناسان، دین یک پدیده اجتماعی محسوب می‌شود. تا زمانی که دین در ایمان و تعلق فرد وجود داشته باشد، امری فردی محسوب می‌شود، اما زمانی که وجه اجتماعی بیابد و در هنجارها و باورها و کنش اجتماعی تجلی یابد و حیات اجتماعی را متأثر سازد و بتوان برای آن کارکردهایی در جامعه قائل شد، به عنوان یک پدیده اجتماعی نیز می‌تواند شود.

اگر بخواهیم، مراحل گذر جوامع از شکل سنتی و اولیه به جامعه صنعتی و مدرن را بررسی کنیم، مسلم است که باید همه ابعاد جامعه را مدنظر قرار دهیم. چراکه دامنه تغییرات و دگرگونی، فقط به ساختار اقتصادی جوامع محدود نمی‌شود و مانند موجی خروشان همه ابعاد زندگی اجتماعی را در می‌نوردد و با خود همراه می‌کند. اما میزان این تغییرات در جوامع متفاوت است و متناسب با این که چقدر این خرده نظام‌ها در مقابل این فشارها از خود مقاومت نشان دهند، وضعیت متفاوتی خواهند داشت. نهاد دین و باورهای دینی نیز از این جریان مستثنا نیست و نه تنها از این تغییرات تأثیر می‌پذیرند، که نیز بر سرعت و جهت آنها تأثیر بسزایی دارند؛ ارزش‌های دینی به عنوان بخش مهمی از فرهنگ هر ملت و از مهم ترین عوامل مؤثر در رفتار و کنش‌های آنان است. اهمیت این موضوع زمانی دوچندان می‌شود که جایگاه دین را در فرهنگ دینی ایران در نظر آوریم و به صورت ویژه نقش آن را در مسیر تحولات تاریخی جامعه ایران رصد نماییم. در این مسیر و در جهت روشن شدن جایگاه دین در این مناسبات و تحولات، یکی از بهترین روش‌ها بررسی میزان دین‌داری نسل‌های متفاوت در ایران است. چراکه در پرتو این بررسی می‌توان تصویری از مسیر تحولات دینی در جامعه ایران ترسیم نمود و در مقیاسی کلان‌تر، با توجه به محوریت دین در جامعه ایران، تغییرات فرهنگی جامعه ایران را نیز رصد نمود. بر این اساس، در این مقاله می‌کوشیم تا از منظری برون‌دینی به این مهم بپردازیم که:

۱. وضعیت دین‌داری میان سه نسل در جامعه ایران، در ابعاد مختلف چگونه است؟

۲. آیا در میزان دین‌داری و ارزش‌های عرفی گرایانه تفاوت نسلی دیده می‌شود؟

۳. آیا میان وضعیت دین‌داری در حوزه فردی و اجتماعی تفاوت وجود دارد؟

مبانی نظری (شکاف نسلی؛ افسانه یا واقعیت؟ عرفی شدن؛ افسانه یا واقعیت؟)

بسط و جهانی شدن تجدد، انقلاب شهرنشینی، رشد علم جدید و عقلانیت تجدیدی و ... موجب شد، تا شیوه تفکر بشر و نگاه و نسبت او با خود، دنیا، دین و ارزش‌های مربوط به آنها متحول شود. به علاوه، گسترش ریزوموار رسانه‌های جمعی نیز اذهان را در معرض ارزش‌های متفاوتی قرار می‌دهد و به موجب آن، ارزش‌ها و باورهای متفاوتی را در میان گروه‌های اجتماعی مختلف، بالاخص نسل‌های گوناگون شایع نموده است، که از آن با عناوین «تفاوت ارزش‌ها» و یا «شکاف ارزش‌ها» یاد می‌شود.

البته چنین تحلیل‌هایی را در آرای اندیشمندان کلاسیکی چون مانهایم نیز می‌توان ردیابی کرد. در دیدگاه او افراد درون یک نسل دیدگاهی مشترک بر اساس تجربیات مشترک دارند (مانهایم، ۱۹۵۲: ۲۹۰). از نظر مانهایم اواخر نوجوانی و اوایل جوانی در واقع سال‌های شکل‌گیری اصلی شخصیت هستند که طی آن، دیدگاه‌های فردی متمایز در سطح وسیعی شکل می‌گیرد (اسکات و شومن، ۱۹۹۵: ۳۶۱). تجربیات متفاوت افراد از وقایع مهم تاریخی مانند جنگ‌ها و انقلاب سبب می‌شود در فضایی متفاوت قرار گیرند و تفاسیر آنها از مسائل مختلف، به شکلی متفاوت از سایر نسل‌ها باشد و شکل‌گیری این نگرش ذهنی و ایده‌ها، راه تغییرات را باز می‌کند (مارشال، ۱۹۹۹: ۱۹۹ به نقل از توکل، ۱۳۸۵: ۱۰۳). تعریف دایتی^۲ از نسل به معنای مجموعه‌ای از انسان‌ها است که در ابژه‌های نسلی با یکدیگر سهیم شده‌اند؛ این دیدگاه نیز تقویت‌کننده‌ی نظر مانهایم است (بالس، ۱۳۸۰: ۴۸).

^۱. Value difference

^۲. Deity

عام‌ترین این روایت‌ها را اینگلهارت و همکارانش در زمینه تغییر ارزش‌ها ارائه نموده‌اند. آنها در خصوص نسل‌ها، تئوری عمده‌ای را مطرح می‌کنند که براساس این تئوری افراد در شرایط خاص فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی رشد می‌کنند و ارزش‌ها و عقاید خاصی را از طریق جامعه‌پذیری درونی می‌کنند و این ارزش‌ها تقریباً تا بزرگسالی و تمام عمر باقی می‌مانند. تغییر ارزش‌ها در جوامع زمانی روی می‌دهد که نسل جوان‌تر جایگزین نسل مسن‌تر شود. مهم‌ترین محاسن این نظریه عبارت است از: بررسی تجربی و داده‌محور یک موضوع در طول سه دهه متوالی، تحلیل جامعه‌شناختی منسجم و قوی و جامع در مورد اهمیت فرهنگ و ارزش به طور کلی و اهمیت مذهب به طور خاص؛ به عنوان عناصر دارای استمرار در جوامع مدرن. (هالر، ۲۰۰۲: ۱۳۹ و اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۷۶-۷۵).

از نظر بنگستون^۱ سه دیدگاه مختلف در مورد شکاف نسلی وجود دارد که دامنه آن را نشان می‌دهد. ۱- دیدگاهی که از وجود «شکاف بزرگ» حمایت می‌کند، ۲- دیدگاهی که در نقطه مقابل، شکاف بزرگ را توهم دانسته و آن را ناشی از فریب افکار عمومی از سوی رسانه‌های عمومی می‌داند و ۳- دیدگاهی است بین دو دیدگاه پیشین که اعتقاد به وجود «گسست و تفاوت انتخابی» میان نسل‌ها دارد (بنگستون، ۱۹۷۰: ۳۳-۷).

بکر در رویکرد تئوری نسلی خود، برخلاف اینگلهارت، معتقد است که نسل پدیده‌ای پویاست و ظهور الگوهای نسلی علاوه بر تأثیرپذیری از حوادث دوره شکل‌گیری نسل، مراحل قبل (دوره بچگی و حتی جنسیتی) و بعد (آینده) زندگی اعضای نسل را نیز در بر می‌گیرد که دوام چنین تأثیراتی منوط به تقویت آنها در مراحل بعدی زندگی یک نسل خواهد بود (بکر، ۱۹۹۶: ۲).

با این وصف، تفاوت تجربیات نسلی به تنهایی نمی‌تواند توجیه‌کننده تفاوت نسلی باشد؛ چرا که در حال حاضر همه نسل‌ها با تمام ایده‌ها و ارزش‌های خود، در معرض

تحولات جهانی قرار گرفته‌اند و به صورت خاص، در بحث از تحولات دینی، میان همه اندیشمندان در بروز تغییرات دینی اتفاق نظر وجود دارد. اما تفاوت بین دیدگاه‌های مختلف از این نقطه آغاز می‌شود که جایگاه و نقش دین و میزان دین‌داری افراد و نسل‌ها تا چه اندازه در معرض تغییر قرار گرفته است. اندیشمندان تغییر در جایگاه و کارکرد و میزان رعایت ارزش‌ها و شعائر دینی نسبت به گذشته را با عنوان "عرفی شدن دین" در جامعه نام می‌برند.

از نظر کارل دابلر عرفی شدن در سه سطح مطرح می‌شود:

سطح فردی: به تضمین و التزام دینی شخصی مرتبط به رفتار فردی مربوط می‌شود (دابلر، ۱۹۹۹: ۲۲۹). مثال‌واره‌های سطح خرد عبارت است از: فردی شدن، بی‌اعتقادی، سقوط دین داری کلیسایی و...؛ فردی شدن دین به معنای این است که دین بخشی از حوزه خصوصی می‌گردد (بلا، ۱۹۹۱: ۲۰۱).

سطح عرفی شدن ارزش‌های قدسی: که به معنای زدودن ارزش‌های قدسی، متعالی و ماورایی از ساحت دین است.

سطح جامعه: که به عرفی شدن در سطح کلان اجتماعی توجه می‌کند و فرآیندی است که به تفکیک ساختاری و عملکردی نهادها و مؤسسه‌ها مربوط می‌شود (دابلر، ۱۹۹۹: ۲۲۹).

تحولات دینی مبحث جدید و تازه‌ای نیست. وبر از پیشگامان در این موضوع است. وی از عقلانیت به عنوان هسته مرکزی دنیای جدید یاد می‌کند، که تمام ابعاد زندگی بشر را فرامی‌گیرد و هنگام بحث از افسون‌زدایی و ترسیم قفس آهنین، خلأ دین را در جامعه صنعتی مدرن به تصویر می‌کشد (وبر، ۱۳۷۱: ۱۵۶). از نظر وبر، رشد عقلانیت از دو طریق بر نقش دین اثر گذارده است: اول) تأثیرات آن بر روی باور دینی دین‌داران که موجب افسون‌زدایی از دین گردید. دوم) ایجاد تحولاتی در ساخت اجتماعی و اقتصادی جامعه که جلوه‌هایی از آن تحت عنوان صنعتی شدن، شهری شدن و بوروکراتیزه شدن و... شناخته شده است (همیلتون، ۱۳۷۷: ۲۹۷-۲۹۶).

بر مبنای این نوع تحلیل، عقلانیت به عنوان جان‌مایه‌ی مدرنیته پایه‌های یقین و قطعیت را به شدت سست می‌کند و زمینه را برای تفاوت دیدگاه‌ها فراهم نموده است. فرآیند عقلانی‌شدن بدین معناست که وجه عقلانی ادراک بر آن قلمروهای نهادی که واقعاً موضوعیت دارند اطلاق می‌شود و دیگر صور ادراک به قلمرو زندگی شخصی رانده می‌شود (محمدی: ۱۳۷۷، ۶۱-۶۰). به نظر ژان ویلم عقلانیت از دو طریق بر تحولات دین موثر است: الف) روند عقلانی‌شدن بوروکراتیک در سطح کلان جامعه، موجبات عقلانی‌شدن سازمان‌های دینی را فراهم می‌آورد، ب) رشد عقلانیت و پیامد اساسی آن، یعنی نگرش نقادانه به خود موجب رشد نگرش انتقادی درون‌دینی می‌گردد (ویلیم، ۱۳۷۷: ۶۱).

پیتر برگر از جمله متفکرانی است که از آرای وبر متأثر است که در هر دو دوره‌ی فکری خود بر بحث دنیوی‌شدن تمرکز داشته است. وی در دوره اول معتقد بود که مدرنیته موجب افول دین و گسترش پدیده سکولاریسم در جوامع جدید می‌شود و دین را از پهنه عمومی به پهنه خصوصی می‌راند و بدین ترتیب جنبه انتخاب‌گری، عدم‌تحمیل و فردی‌شدن دین را دامن می‌زند (غیاثوند و آزاد، ۱۳۸۰: ۳۸). اما در دوره دوم، بیان می‌کند که مدرنیته الزاماً به افول دین منجر نمی‌شود و دنیا همان قدر مذهبی است که قبلاً بوده است (برگر، ۱۳۸۰: ۲۳).

برگر تفاوتی اساسی بین سکولاریسم فردی و سکولاریسم اجتماعی برقرار می‌سازد؛ وی سکولاریسم اجتماعی را شامل کاهش مؤسسات مذهبی می‌داند، در حالی که سکولاریسم فردی به کاهش (یا عدم) عقاید و افکار مذهبی در اشخاص در ارجاع دارد. بر این اساس وی معتقد است که سکولاریسم فردی اتفاق نیفتاده و افراد جوامع بشری همچنان مذهبی‌اند (حسینی، ۱۳۷۶: ۳).

به نظر برگر، در جوامع ماقبل‌مدرن روندهای جامعه‌پذیری و نهادهای جامعه‌پذیرکننده تفاوت فاحشی با یکدیگر نداشت و جهان‌زیست مشترکی را شکل می‌داد. اما انسان مدرن در طی زندگی خود «جابجایی زیست‌جهان‌های مختلف را تجربه می‌کند» (برگر و دیگران، ۱۳۸۱: ۷۳-۷۴) و تجربه چندگانگی ذاتی آگاهی فرد می‌شود و ذهن را بی‌خانمان

می‌سازد. در چنین اوضاعی فرد دیگر نمی‌تواند به ارزش‌ها و نظام نمادین معینی در تمام عمر خود وفادار بماند و با چندگانه‌شدن زیست‌جهان‌های اجتماعی، وظیفه قدیمی دین به طور جدی تهدید می‌شود (همان: ۷۸). در این حالت دین باید پیوندهای خود را با ساختارهای اجتماعی سنتی بگسلد و بیش از پیش انتزاعی شود و ادعای تمامیت و تامیت خود را کنار بگذارد. به همین دلیل بازسازی دین در دوران مدرن به یک ضرورت دینی نیز تبدیل می‌شود (بشیریه، ۱۳۷۷: ۲۲۱). هرویولزه نیز این فرآیند را با نام مدرنیته دینی می‌خواند که به معنای مدرن‌شدن دین و دین‌داری است. (هرویولزه. ۱۳۸۰. ۲۸۷).

پیتر برگر در تشریح واقعیت اجتماعی دین، آن را مانند جامعه شامل وجوه عینی و ذهنی می‌داند که در دو فرآیند دیالکتیکی برون‌سازی (externalization) (جریان برون‌ی) نمودن فعالیت فیزیکی و اخلاقی انسان در جامعه) و درونی‌سازی (internalization) (بازتولید این واقعیت از ساختار عینی به ساختار آگاهی ذهن) (برگر، ۱۹۶۷: ۵) شکل می‌گیرد.

لومان و پارسونز از منظری خوش‌بینانه و ساختی- کارکردی تغییر وضعیت دین و دینداری در جوامع مدرن را به معنای حذف دین از زندگی عمومی نمی‌دانند، بلکه استدلال می‌کنند که دین به عنوان نتیجه نهایی یک فرآیند طولانی تمایز ساختاری «جایگاهی بازتعریف‌شده در صحنه اجتماعی» کسب نموده است (بکفورد، ۱۳۸۸: ۱۰۷ و پارسونز، ۱۹۶۰: ۲۹۸).

خلاصه اینکه تمامی تحلیل‌های مذکور و بسیاری از دیگر تحلیل‌های دیگر در باب دین و دین‌داری حکایت از آن دارند که باید وجوه چندگانه و پیچیده‌ی دین را در این تحلیل‌ها لحاظ نمود. به بیانی، به لحاظ سطح (طول)، دین‌داری هسته مرکزی و پیرامونی دارد. دین‌داری مبتنی بر ابعاد اصلی دین، در سطح مرکزی دین‌داری [میزان دین‌داری]، و گونه‌های دیگری از دین‌داری که در مواردی در سطح نگرش‌ها و طرزتلقی‌ها درباره دین جای می‌گیرند [انواع دین‌داری]، لایه‌های پیرامونی دین‌داری را شکل می‌دهند (میرسندسی، ۱۳۸۳: ۱۲۶-۱۲۵).

به بیانی دیگر، دین‌داری یک سازه تک‌بعدی نیست، بلکه ترکیبی است از چند عامل مختلف (کلاین و ریچارد، ۱۹۵۶: ۵۵۷). در جوامع غربی، تحلیل عرفی شدن بر اساس فاصله مردم از دین‌داری کلیسایی صورت می‌گرفت، ولی بعدها مشخص شد که فاصله‌گیری از دین‌داری رسمی به معنای افول دین نیست، بلکه نوعی دین‌داری جدید در حال وقوع بود که مستلزم نفی واسطه‌هایی چون کلیساست (بیلتون: ۱۹۸۷، ۲۰۳). جیمز نمونه‌ای از این تحلیل را به دست می‌دهد که همانا صورت‌بندی سه مرحله است شامل دیرینه‌دورکیمی، نودورکیمی، و پسادورکیمی، که مختص دوره جدید است. از دیدگاه جیمز، این نوع دین‌داری جدید می‌تواند به اشکال گوناگونی در جامعه ظهور یابد (تیلور، ۱۳۸۷: ۲۱).

در هر صورت، همه افراد برداشت یکسانی از دین ندارند و در نتیجه‌ی این برداشت‌های متفاوت، انواع و میزان متفاوتی از دین‌داری ارائه خواهد شد. این مهم آنگاه بیشتر جلوه‌گر می‌شود که به این نکته‌ی کلیدی نیز اشاره کنیم که تئوری تحول دین، که از سوی جامعه‌شناسان ارائه می‌شود، باید در شرایط عینی و ذهنی همان جامعه بررسی شود. به صورت خاص، در خصوص جامعه ایران، روش‌های ارائه‌شده در جوامع غربی با فرهنگ دینی همان جامعه مرتبط است و توانایی سنجش فرهنگ دینی اسلامی را ندارد. به همین دلیل بسیاری از متفکرین اسلامی معتقدند که اندیشه عرفی شدن دین اندیشه‌ای وارداتی است که به هیچ وجه با اسلام و جامعه اسلامی سازگار نیست (جعفری، ۱۳۷۸: ۲۵۰).

با این وجود، در بین انواع سنجه‌های دین‌داری و فرهنگ دینی، سنجه گلارک و استارک بیشتر مورد توافق قرار گرفته و قابلیت سنجش آن برای دین اسلام بیشتر است. در مقاله حاضر نیز با تاکید بر دووجهی بودن دین، که هم نگاهی رسمی و علنی و هم نگاهی غیرعلنی و شخصی به دین دارد، مدل گلارک و استارک بهترین مدل برای سنجش دین‌داری در نظر گرفته شده است و می‌تواند اهداف مقاله را برآورده سازد. در این مدل دین شامل پنج بعد اعتقادی (حد و اندازه‌ای که مردم عقاید دینی را حفظ و عمل نمایند)، عمل دینی (حد و اندازه‌ای که مردم در پرستش و عبادت درگیر می‌شوند)، تجربی (درجه‌ای که مردم تماس و ارتباط با ماوراءالطبیعه را حس و تجربه می‌کنند)، معرفتی (میزان معرفت یا دانشی

که مردم از دین دارند) و **پی‌آمدی** (حد و اندازه‌ای که ابعاد قبلی از یک تا چهار در زندگی روزمره مردم تأثیر دارد) است (سراجزاده، ۱۳۸۳: ۶۵-۶۶).

آنها اعتقاد دارند، ضمن تفاوت‌هایی که در جزئیات ادیان وجود دارد، عرصه‌های مشترکی نیز وجود دارد که دین‌داری در آن متجلی می‌شود (گلاک و استارک، ۱۹۷۱: ۲۰-۱۹). در مجموع بر اساس دیدگاه‌های ارائه شده با محوریت دیدگاه نسلی اینگلهارت، برگر و جیمز تیلور در جوامع مدرن و پیشرفته امروزی، تحولات دینی و دین‌داری امری اجتناب‌ناپذیر تلقی شده است، البته این تحولات تا حدودی از شرایط و فرهنگ جوامع متأثر است. برگر در نظریه دوم خود معتقد است که سکولاریسم اجتماعی اتفاق افتاده است؛ هم چنین براساس دیدگاه جیمز، دین روزبه‌روز شخصی‌تر، باطنی‌تر، متعهدانه‌تر و پارسایانه‌تر شده و می‌شود و در نتیجه، از مسلک‌ها و مناسک نهادینه، که به تعبیر او حیات دینی دست دوم به حساب می‌آیند، دورتر و دورتر می‌شوند و اینگلهارت تفاوت این تحولات را در نسل‌های مختلف بررسی کرده است و با دیدگاه نسلی آن را توضیح می‌دهد.

روش تحقیق

این مطالعه از نوع تحقیق پیمایش اجتماعی^۱ است و داده‌های پژوهش با استفاده از تکنیک پرسش‌نامه توأم با مصاحبه، به دست پرسش‌گران باتجربه و ماهر جمع‌آوری شده است. در پرسش‌نامه، برای سنجش میزان دین‌داری، در بعد شناختی از ۵ گویه، بعد مناسکی ۴ گویه، بعد اعتقادی ۳ گویه، بعد ارزش‌های دینی ۱۴ گویه و بعد تجربه دینی از ۳ گویه استفاده شده است. در تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS و به فراخور از آزمونهای آماری مربوط استفاده شد.

جامعه آماری این پژوهش نیز شامل سه نسل از ساکنین شهر ساری (کلیه جمعیت ۱۷ ساله به بالا) است. نسل اول (نسل قبل از انقلاب، متولدین ۱۳۲۰ تا ۱۳۴۰)

^۱. Social survey

شامل کسانی است که جنگ تحمیلی و انقلاب اسلامی را تجربه کرده‌اند و حتی به عنوان یک بازیگر فعال در آن شرکت نموده‌اند. نسل دوم (نسل انقلاب، متولدین ۱۳۴۱ تا ۱۳۵۵)، شامل کسانی است که اگرچه تجربه دقیقی از دوران پهلوی ندارند، اما جنگ را تجربه کرده‌اند و حتی به عنوان نیروی فعال در جنگ شرکت داشته‌اند. نسل سوم (نسل پساانقلابی، متولدین ۱۳۵۶ تا ۱۳۷۰)، کسانی را شامل می‌شود که در سنین کودکی جنگ را تجربه نموده و یا بعد از جنگ متولد شده‌اند.

حجم نمونه با استفاده از نمونه‌گیری خوشه‌ای، و با احتساب خطای ۰/۰۴، در کوچکترین واحد سطح (حوزه‌های شهری) با استفاده از فرمول کوکران $n=380$ نفر محاسبه شد و دسترسی به واحدهای انتخابی از طریق حوزه و بلوک از طریق مساعدت سازمان معاونت برنامه ریزی استانداری صورت گرفت.

یافته‌های تحقیق

در ارائه یافته‌ها، باتوجه به حجم زیاد گویه‌ها، از ارائه آمار توصیفی تک‌تک گویه‌ها صرف نظر شده و با محاسبه نمرات کلی مربوط به هر بعد، از طریق شاخص‌سازی به ارائه توصیف آماری آنها مبادرت نمودیم. سپس نتایج به تفکیک متغیرهای زمینه‌ای (نسل، تحصیلات، جنس و تاهل) نشان داده و سطح معنی‌داری آنها نیز مشخص شده است. با این حال، به دلیل آن که بررسی نسل‌ها در این مقاله مورد نظر است، به متغیرهای زمینه‌ای دیگر (تحصیلات، جنس و تاهل) تنها در صورت معنی‌دار بودن اشاره شده است.

جدول شماره ۱: میزان آگاهی دینی افراد جامعه

فراوانی	درصد	
۴	۱/۱	خیلی کم
۸	۰/۵	کم
۶۰	۱۵/۸	متوسط
۱۶۳	۴۲/۹	زیاد
۱۴۳	۳۷/۶	خیلی زیاد
۲	۰/۵	بی‌پاسخ

بر اساس جدول شماره ۲ مشخص می‌شود که در میزان آگاهی دینی افراد جامعه در نسل‌های مختلف تفاوت معنی‌داری دیده نمی‌شود و فقط بین افراد متاهل و مجرد تفاوت معنی‌داری در میزان آگاهی دینی دیده شده است و بر اساس میانگین مشخص شد که میزان آگاهی دینی افراد متاهل بیشتر از مجردین است.

۲) اندازه‌گیری بعد عمل دینی

جدول شماره ۳: میزان انجام مناسک و احکام دینی

فراوانی	درصد	
۳۲	۸/۴	خیلی کم
۱۲۷	۳۳/۴	کم
۱۵۴	۴۰/۵	متوسط
۵۲	۱۳/۷	زیاد
۰	۰	خیلی زیاد
۱۵	۳/۹	بی‌پاسخ

بر اساس جدول ۳ ملاحظه می‌شود که، ۴۶/۸ درصد از افراد ابراز کرده‌اند که کم یا خیلی کم اعمال دینی مانند نماز و روزه و خواندن قرآن یا رفتن به مسجد برای عبادت را انجام می‌دهند و میانگین ۴۰/۵ درصد از افراد این اعمال را انجام می‌دهند

جدول شماره ۴: میزان انجام مناسب دینی به تفکیک متغیرهای زمینه‌ای و آزمون سطح معنی‌داری

نسل	تخصصیات	جنس	تاهل	خیلی کم		متوسط		زیاد		خیلی زیاد		
				کم	زیاد	کم	زیاد	کم	زیاد	کم	زیاد	
-۱۷	بیسواد	مرد	متاهل	۱۷/۵	۳۸/۳	۳۵	۹/۲	۰	۰/۰۰			
				۴	۲۹/۸	۴۶	۲۰/۲	۰				
-۳۴	بیسواد	زن	متاهل	۵	۳۳/۴	۴۵/۵	۱۳/۲	۰	۰/۰۳			
				۰	۲۵	۵۰	۲۵	۰				
۴۸سال	ابتدایی	مرد	متاهل	۰	۲۹/۷	۵۱/۴	۱۸/۹	۰	۰/۰۳			
				۰	۲۳/۷	۴۴/۹	۱۲/۲	۰				
۴۸سال	متوسطه	زن	متاهل	۱۱/۳	۳۵/۵	۴۰/۳	۱۲/۹	۰	۰/۰۳			
				۹/۶	۳۷/۵	۴۱/۲	۱۱/۸	۰				
۴۸سال	کارشنا	مرد	متاهل	۰	۲۶/۷	۳۳/۳	۴۰	۰	۰/۰۱			
				۰	۳۲/۱	۴۲	۱۸/۳	۰				
۴۸سال	عالی	زن	متاهل	۱۰/۶	۳۹	۴۲/۶	۷/۸	۰	۰/۰۱			
				۷/۶	۳۷/۵	۴۰/۵	۱۵/۸	۰				
۴۸سال	متاهل	مرد	متاهل	۱۸/۹	۲۴/۳	۳۸/۶	۸/۱	۰	۰/۰۱			
				۰	۲۳/۳	۳۷/۵	۱۵/۸	۰				

از لحاظ انجام مناسک دینی در جدول چندبعدی بالا، شماره ۴، مشخص می‌شود که بین افراد در نسل‌های مختلف تفاوت معنی‌دار است. بر اساس آزمون توکی مشخص شد که میزان انجام مناسک در دو نسل دوم و سوم کمتر از نسل اول است و همچنین انجام مناسک در بین مردان بیشتر از زنان بوده و افراد با تحصیلات راهنمایی، نسبت به افراد با تحصیلات کارشناسی بیشتر به انجام مناسک عبادی التزام دارند.

۳) اندازه‌گیری بعد پیامدی دین

جدول شماره ۵: میزان رعایت اخلاق دینی در زندگی اجتماعی

فرآوانی	درصد	
۱	۰/۳	خیلی کم
۸۵	۲۲/۴	کم
۳۲	۶۱/۱	متوسط
۴۷	۱۲/۴	زیاد
۱۴	۳/۷	خیلی زیاد

نتایج جدول ۵ گویای آن است که ۲۲/۷ درصد از افراد، اصول اخلاقی دین مانند حلال و حرام، دوری از غیبت و دروغ را رعایت نمی‌کنند. ۶۱ درصد به طور متوسط و درصد خیلی کمی (۱۶/۱ درصد) ابراز نموده‌اند که این اصول اخلاقی را حتماً رعایت می‌کنند.

جدول شماره ۶: میزان رعایت اخلاق دینی به تفکیک متغیرهای زمینه‌ای و آزمون سطح معنی‌داری

نسل	تجزیه و تحلیل	جنسیت	تاهل	خیلی کم		متوسط		خیلی زیاد		۰/۸۲
				کم	زیاد	زیاد	کم	زیاد	کم	
۱۷-۳۳سال	۴۷-۴۸سال به بالا	مرد	متاهل	۰	۲۲/۳	۶۳	۱۲/۴	۴/۱	۰	۰/۸۲
				۰	۲۳/۳	۵۸/۹	۱۷/۴	۵/۴		
	پسرود	مرد	متاهل	۰	۲۰	۶۰	۲۰	۰		
				۰	۲۹/۷	۳۸/۶	۱۸/۹	۲/۷		
	ابتدایی	مرد	متاهل	۰	۴	۶۲	۱۴	۰		
				۰	۱۹/۷	۶۲/۳	۲۴/۳	۳/۹		
	راهمنجایی	مرد	متاهل	۰	۲۲/۹	۶۳/۹	۹/۷	۲/۸		
				۰	۱۸/۸	۵۶/۲	۰	۲۵		
متوسطه	مرد	متاهل	۰/۴	۲۰/۴	۶۳	۱۱/۹	۴/۳	۰/۱۲		
			۰	۲۵/۷	۵۸/۳	۱۳/۲	۲/۸			
کارشناسی	مرد	متاهل	۰	۲۰	۶۴/۴	۱۱/۹	۳/۷	۰/۴۱		
			۰	۳۱	۵۰	۱۴/۳	۳/۶			
عالی	مرد	متاهل	۰	۲۰	۶۴/۴	۱۱/۹	۳/۷	۰/۴۱		
			۰	۳۱	۵۰	۱۴/۳	۳/۶			

بر اساس جدول ۶ می‌توان مشاهده نمود که بین افراد در گروه‌های مختلف تفاوت معنی‌داری دیده نمی‌شود و عواملی نظیر نسل، تاهل، تحصیلات و جنس تأثیری در میزان رعایت اصول اخلاقی ندارد.

۴) اندازه‌گیری بعد اعتقادی

جدول شماره ۷: میزان اعتقاد به ارزش‌های دینی

فراوانی	در صد	
۲	۰/۵	کاملاً مخالف
۲	۰/۵	مخالف
۴۱	۱۰/۸	مردد
۱۲۷	۴۵/۳	موافق
۱۶۳	۴۲/۹	کاملاً موافق

چنان‌که که ملاحظه می‌شود، ۸۸/۲ درصد از افراد پاسخگو، با ارزش‌های دینی موافق بوده‌اند و درصد کمتری از افراد (۱۰ درصد)، با این ارزش‌ها مخالف بوده‌اند.

بر اساس جدول ۸ مشاهده می‌شود که بین افراد در نسل‌های مختلف تفاوت معنی‌داری وجود دارد و بر اساس آزمون توکی مشخص شد که نسل اول ارزش‌های دینی ارائه شده را بیشتر از نسل دوم و سوم باور دارند.

۵) اندازه‌گیری بعد تجربی دین

جدول شماره ۹: میزان تجربه دینی

فراوانی	درصد	
۰	۰	خیلی کم
۲	۰/۵	کم
۳۱	۸/۲	متوسط
۹۶	۲۵/۳	زیاد
۲۴۶	۶۴/۷	خیلی زیاد
۵	۱/۳	بی پاسخ

بر اساس جدول ۹ مشاهده می‌شود که ۹۰ درصد از افراد جامعه، از تجربه دینی در حد زیاد و خیلی زیاد برخوردارند.

بر اساس جدول ۱۰ می‌توان گفت که بین گروه‌ها از لحاظ میزان تجربه دینی تفاوت معنی‌داری دیده نمی‌شود. بدین معنا در میان همه افراد در گروه‌های مختلف، میزان تجربه دینی یکنواخت پراکنده شده است و در همه افراد میزان تجربه دینی در حد بالاست. برای سنجش میزان عرفی شدن دین در نسل‌های متفاوت، سؤالاتی در پرسش‌نامه ارائه شد. نتایج به دست آمده در جامعه به صورت جدول ۱۱ نشان داده می‌شود.

جدول شماره ۱۱: میزان اعتقاد به ارزش‌های دینی عرفی

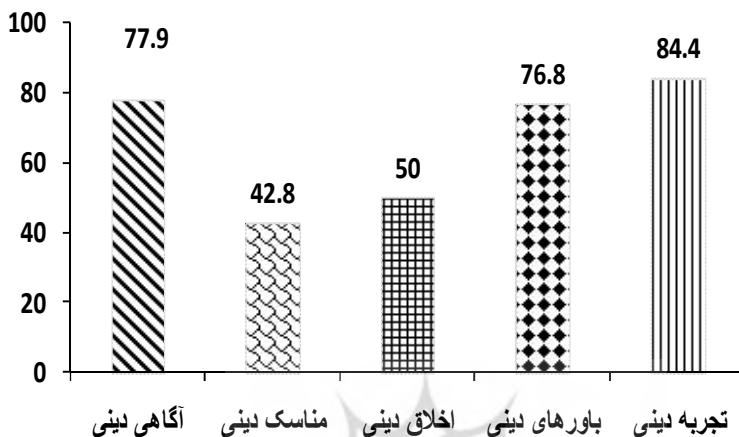
فراوانی	درصد	
۴	۱/۱	کاملاً موافق
۲۷	۷/۱	موافق
۱۲۲	۳۲/۱	مردد
۱۲۰	۳۱/۶	مخالف
۱۰۷	۲۸/۲	کاملاً مخالف

بر اساس جدول ۱۱ مشاهده می‌شود که درصد بسیار بالایی از افراد جامعه، نسبت به این ارزش‌های عرفی‌گرا مخالفت نشان داده‌اند و ۳۲/۱ درصد از افراد در دادن پاسخ به این گویه‌ها مردد بوده‌اند و درصد کمتری از آنان با این ارزش‌ها موافق بوده‌اند. در مرحله بعدی برای مشخص نمودن دیدگاه‌های افراد در مورد ارزش‌های عرفی - گرا در سه نسل، به ارائه جدول دوبعدی مبادرت نموده‌ایم، و سطح معنی‌داری آن را با استفاده از آزمون آنووا مشخص نمودیم.

جدول شماره ۱۲: میزان اعتقاد به ارزش‌های دینی عرفی‌گرا در سه نسل

نسل			
نسل سوم	نسل دوم	نسل اول	
۷۵	۲۵	۰	کاملاً موافق
۵۱/۹	۳۷	۱۱/۱	نسبتاً موافق
۴۰/۲	۳۲/۸	۲۷	مردد
۳۰	۳۵	۳۵	مخالف
۲۵/۲	۳۴/۶	۴۰/۲	کاملاً مخالف
۰/۰۰			سطح معنی‌داری

بر اساس جدول دوبعدی شماره ۱۲ مشخص شد که در سه نسل تفاوت معنی‌داری در باورهای دینی عرفی‌گرا وجود دارد. با استفاده از آزمون توکی و میانگین مشخص شد که نسل سوم به ارزش‌های عرفی‌گرا خیلی بیشتر از نسل اول اعتقاد دارند. در پایان در یک جمع‌بندی برای مقایسه، میانگین میزان دین‌داری در ابعاد مختلف را به صورت درصد نشان دادیم؛ که به صورت نمودار شماره ۱ نشان داده شده است:



نمودار شماره ۱: میانگین میزان دین‌داری در ابعاد مختلف

بحث و نتیجه‌گیری

در این مقاله، به مقایسه میزان دین‌داری در ابعاد مختلف آن پرداختیم. بر اساس یافته‌های حاصله میانگین نمرات افراد جامعه در ابعاد مختلف میزان دین‌داری به یک اندازه نبوده است. بیشترین نمرات احتساب شده، به ترتیب به ابعاد تجربه دینی، آگاهی دینی، باورهای دینی، اخلاق دینی و در نهایت به مناسک دینی تعلق گرفته است. این نتیجه مشخص می‌کند که بر مبنای تئوری برگر، سکولاریسم فردی اتفاق نیفتاده است، چراکه افراد در بعد شخصی دین مثل تجربه دینی نمره بالایی را کسب نموده‌اند، ولی در بعد اجتماعی مانند: انجام اعمال و مناسک و رعایت اخلاق دینی نمره کمتری دریافت نموده‌اند و مشخص می‌شود که سکولاریسم اجتماعی تاحدودی و براساس گویه‌های مورد استفاده در این تحقیق، در جامعه اتفاق افتاده است. البته این به معنای کم‌رنگ شدن و کم‌اهمیت شدن دین نیست، بلکه به نوعی تحولاتی است که در شیوه دین‌داری افراد به وقوع پیوسته است و بسیاری از

اندیشندان آن را پیش‌بینی نموده‌اند. چنانچه تیلور در تحلیل فرآیند تحولات دینی از منظر جیمز با او هم‌آواز شده و معتقد است در جهان مدرن (به تعبیر جیمز؛ پسادورکیمی) ما شاهد خیل عظیمی از انسان‌ها خواهیم بود که زندگی دینی‌ای را دنبال می‌کنند که حول محور حال شخصی می‌چرخد که به تعبیر جیمز حیات دینی دست‌اول است (بکفورد، ۱۳۸۷: ۵۹). از نظر جیمز، دین روزبه‌روز شخصی‌تر، باطنی‌تر، متعهدانه‌تر و پارسایانه‌تر شده و می‌شود و در نتیجه، از مسلک‌ها و مناسک نهادینه که به تعبیر او حیات دینی دست دوم به حساب می‌آیند، دورتر و دورتر می‌شوند (همان: ۴۳).

از سوی دیگر، با توجه به این که کشور ایران جامعه‌ای دینی با حکومتی دینی است، که موضوعات و مسائل دینی به صورت غیررسمی و رسمی در سنین مختلف آموزش داده می‌شود، قابل پیش‌بینی است که میزان آگاهی دینی در سطحی بالا باشد. به‌علاوه، نتایج میزان اعتقاد به ارزش‌های دینی، نیز نشان داد که، افراد بیشتری به ارزش‌هایی که مربوط به اصول دین است اعتقاد داشته‌اند و در مقابل افراد کمتری به احکام و رعایت آداب و مناسک دینی معتقد بودند. در بررسی تطبیقی بین‌نسلی میزان دین‌داری، برای سنجش سطح معنی‌داری، از آزمون‌های مختلف استفاده شد و نتایج آزمون نشان داد که نسل اول میزان دین‌داری بیشتری را نسبت به دو نسل بعدی در این ابعاد اعتقادات دینی نشان داده است. همچنین نتایج حکایت از آن داشت که اگرچه به طور کلی میزان تمایل به ارزش‌های عرفی‌گرا در جامعه کم است، ولی نسل سوم، نسبت به دو نسل قبل از خود، تمایلات عرفی‌گرای بیشتری دارد، که با این تحلیل‌های نسلی اینگلهارت، که با اتکا به شاخصه‌هایی نظیر پیشرفت تکنولوژیک، آموزش، ارتباطات و جهانی‌شدن صورت می‌گرفت، تطابق دارد. در عین حال اگر بخواهیم نسل‌هایی که بر حسب تحولات دوری جنگ و انقلاب از هم تفکیک شده‌اند را مقایسه کنیم، می‌توانیم تفکیک مذکور را تاحدی روا بدانیم.

نسل انقلاب، به میزان زیادتری پایبندی خود را به ارزش‌ها و ابعاد دین‌داری، که نقش مهمی در شکل‌دادن به رفتارها و اجتماعات و فرآیند انقلاب داشت، از خود نشان داده است.

نسل دوم نسلی است که در دوران جنگ مشارکت فعال داشته است. دورانی که ارزش‌های دینی و پساانقلابی بیش از هر زمان دیگری مقدس شمرده می‌شد و ارزش و محرکی قوی برای دفاع از کشور و آرمان‌های نظام به حساب می‌آمد. در حقیقت، این نسل با تجربه ویژه و تکرارنشدنی در سنگرهای جنگ و فضای معنوی فراگیر آن، که منبعث از فرهنگ جهاد و شهادت شیعی بود، از نسل پیشین خود و بالاخص نسل پس از خود تفاوت یافت.

نسل سوم، نسلی است که یک دوره تاریخی جدید را بدون تجربه انقلاب یا جنگ سپری می‌کند، اما همچنان با مسائل و بحران‌های پس از جنگ دست و پنجه نرم می‌کند و مطابق با دیدگاه بودلر، با محرک تنوع‌طلبی، مایل است با ایجاد یک موقعیت جدید و اصلاحات در وضعیت و هویت کنونی خود، ارزش‌هایی را تثبیت کند که در سطح جهانی مطلوب شمرده می‌شود (بودلر، ۱۹۶۲: ۲۱۱). یکی از ثمرات چنین وضعیتی عرفی‌گرایی است که در نسل سوم مورد بررسی در این مقاله بیش از دو نسل پیشین وجود داشت.

منابع

- آزادارمکی، تقی و غیاثوند، احمد (۱۳۸۱)، «تحلیل جامعه‌شناختی وضعیت دین‌داری جوانان با رویکر بی‌شکلی دین‌ورزی»، پژوهشنامه علوم انسانی، شماره ۳۵: ۱۱۷-۱۴۸.
- اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳)، تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، ترجمه مریم وتر، تهران: کویر.
- بالس، کریستوفر (۱۳۸۰)، «ذهنیت نسلی»، ترجمه حسین پانسیو، فصلنامه ارغنون، شماره ۱۹: ۱-۳۰.
- برگر، پیتر؛ برگر، بریجیت و کلنر، هانسفرید (۱۳۸۱)، ذهن بی‌خانمان، نوسازی و آگاهی، ترجمه محمد ساوجی، تهران: نی.
- برگر، پیتر (۱۳۸۰)، افول سکولاریسم، ترجمه افشار امیری، تهران: نشر پنگان.
- بشیریه، حسین (۱۳۷۷)، جامعه‌شناسی سیاسی: نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی، تهران: نی.
- بکفورد، جیمز (۱۳۸۸)، دین و جامعه صنعتی پیشرفته، ترجمه فاطمه گلابی، تهران: کویر.
- توکل، محمد و قاضی‌نژاد، مریم (۱۳۸۵)، «شکاف نسلی در رویکردهای کلان جامعه شناسی»، نامه‌ی علوم اجتماعی، شماره ۲۷: ۹۵-۱۲۴.
- تیلور، چارلز (۱۳۸۷)، تنوع دین در روزگار ما، ترجمه مصطفی ملکیان، تهران: انتشارات شور.
- سراج‌زاده، سیدحسین (۱۳۷۷)، «نگرش‌ها و رفتارهای دینی نوجوانان تهرانی»، نمایه پژوهشی، سال دوم، شماره ۷ و ۸: ۱۰۵-۱۲۰.
- محمدی، مجید (۱۳۷۷)، سر برآستان قدسی، دل در گرو عرفی، تهران: قطره.
- میرسندهی، سیده‌محمد (۱۳۸۳)، میزان و انواع دینداری دانشجویان، پایان نامه دکتری رشته جامعه‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس.
- وبر، ماکس (۱۳۷۱)، اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری، ترجمه عبدالمعبود انصاری، قم: انتشارات مهر.
- ویلم، ژان (۱۳۷۷)، جامعه‌شناسی ادیان، ترجمه عبدالکریم گواهی، تهران: تیبان.

- هرویولژ، دانیل (۱۳۸۰)، «انتقال و شکل‌گیری هویت‌های اجتماعی دینی در مدرنیته»، ترجمه محمود نجاتی حسینی، فصلنامه پژوهش، شماره ۵: ۲۰-۲۱.
- همیلتون، ملکم (۱۳۷۷)، **جامعه‌شناسی دین**، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: تیبان.
- Bellah, Robert (۱۹۹۱), **civil religion in American**, in Jeffrey Alexander, ed., **culture and society**, New York: Cambridge university press.
- Bengeston, V. I. (۱۹۷۰), "The Generation Gap: A review and typology of social psychological perspective". **Youth and Society**, No۲: ۷-۳۲.
- Berger, peter (۱۹۶۷), **the sacred canoy: the element of a sociological theory of religion**, Garden city: Journals Science Religion.
- Scott, Jacqueline; Shuman, Howard (۱۹۹۵), "Generation and generation memories", **American Sociological Review**, No ۵۴: ۳۵۹-۳۸۱.
- Gluck, c and Stark (۱۹۷۱), **Religion and Society in Tension**, US, Rand McNally & Company.
- Gluck, c and R. Stark (۱۹۷۱), **Religion and Society in Tension**, US, Rand Mc Nelly & Company.
- Haller, Man (۲۰۰۰). "Rational Lives, Norms and Value In Political and Society the American", **Journal of Society**, No۱: ۱۶۶-۱۷۴.
- Engelhard, Ronald; Wetzel, Christian (۲۰۰۵), "Political culture and Democracy": Analyzing Cross-level Linkages", **Journal of political science**, No: ۱-۳۳.
- Manheim Karl (۱۹۵۹), "Essay on the Social of Knowledge". London & Keyyan Paul. Ltd. P. ۶۸-۷۳.
- Parsons, T. (۱۹۶۰), **structure and procession modern societies**, Free press.

- Bilton, T.et (۱۹۸۷), **Introduction sociology**, London: Macmillan.
- Dabblar, Karl (۱۹۹۹) "Toward an Integrated Perspective of the processes Related to the Descriptive Concept of secularization", **sociology of religion**, No ۱۵:۲۲۹-۲۴۸.
- Cline, B. C., & J. M. Richards (۱۹۶۵), "A Factor analytic study of religious belief and Behavior", **Journal of Personality and Social Psychology**, No۱: ۵۵۷-۵۶۵

